

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۱۹S۳D۱۲SH۰M ISSN-P: ۲۰۳۸-۳۷۰۱

سیاست جنایی حمایت از شهود در دعاوی کیفری با رویکرد تقنینی حقوق جزایی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۵/۲۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۹/۱۵)

سیدعباس خلیل پور چالکیاسری

افسر بازنشسته ی کشف جرایم ناجا

چکیده

شهادت بعنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوی کیفری از گذشته تاکنون مورد توجه شناخته شده است. ادای شهادت در راستای کشف حقیقت شهود را در معرض خطر و تهدید از سوی مرتکبان جرایم قرار میدهد به همین دلیل رعایت حریم عدالت و دستگاه قضایی از یک سوی و صیانت از شهروندان به ویژه در مقام همکاری با دستگاه عدلیه و پلیس و حمایت از بزه دیدگان جرایم از سوی دیگر توجه کننده ی حمایت از شهود است. حمایت از شاهد در پرتو سیاست حمایتی جزایی یکی از کارآمدترین و مؤثرترین رویکردها پیش بینی اقدامات حمایتی در قوانین کیفری (ماهوی و شکلی) می باشد تا مقام قضایی بتواند با توجه به قوانین و ضرورت اعمال این برنامه ها در هر مورد خاص کارخواسته خود را برای اجرای دادرسی منصفانه و برقراری عدالت که اگر دلیل بزه دیده شهادت شهود باشد مستلزم آن است مسیر تامین امنیت گواهان را تضمین نموده تا وی بتواند به راحتی شهود خود را به مقام صالح قضایی معرفی کند. با توصیف معروضه گاهها" در سوی دیگر دعوی کیفری متهم قرار دارد که با وجود اصل برائت گاه ناچار به توسل به شهادت شهود می شود چه بسا ادعاهای واهی علیه متهمی مطرح گردیده و متهم بی گناه برای رهایی از این وضعیت ناچار به شهادت روی بیاورد.

واژگان کلیدی: شهادت شهود، حمایت از شاهد، جرم انگاری، قوانین کیفری



بخش اول: کلیات

حمایت از شهود، مجموعه اقدامات امنیتی، مالی، روانشناختی و آموزشی است که دستگاه عدالت کیفری برای مشارکت بیشتر شهود در فرآیند دادرسی استفاده می کند. قالب برنامه های حمایتی امنیتی، حمایتی روان شناختی و برنامه هایی در جهت مخفی ماندن هویت شهود اجرا می شود. از طرف دیگر، امروزه حقوق دفاعی متهم به عنوان بخشی جدایی ناپذیر یک دادرسی عادلانه مطابق با اسناد بین المللی، منطقه ای و مقررات داخلی کشورها محسوب شده و نمی توان آن را به هر بهانه ای محدود کرد؛ چه آن که این حق، میراثی است که جامعه بشری پس از تلاش فراوان، در پس قرن ها دادرسی به دست آورده است. در نگاه اول اجرای برخی از برنامه ها مانند مخفی ماندن هویت شهود و حمایت بیش از حد از وی در تعارض جدی با شماری از حقوق متهم از جمله حق پرسش از شهود و یا اصل تساوی سلاح ها در رسیدگی قرار می گیرد. امری که در عمل از طریق توسل به اقداماتی خاص می توان آن را به حداقل رسانیده و جهات دادرسی عادلانه را تا حدودی مورد تضمین قرار داد. شاهدین یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی محسوب میشوند؛ زیرا، در بسیاری موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه، بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه ی وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده اند، امکان پذیر نیست؛ به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است. در رسیدگی به جرایم، به ویژه در مورد جرایم سازمان یافته و تروریستی گسترده که عموم افراد جامعه را تهدید می نمایند، ضروری است تا شهود به نظام عدالت یک سری اعتماد کامل داشته باشند؛ باید به شاهد این اطمینان خاطر داده شود که در مقابل تهدیدات و صدمات احتمالی وارده از ناحیه ی اعضای گروه بزه کار، حمایت و پشتیبانی میشوند. در نتیجه ی این حمایت ها، نه تنها رغبت و میل شاهد برای همکاری با دستگاه های پلیسی قضایی تقویت می شود، بلکه در پس اثبات بسیاری از این جرایم، به حفظ حاکمیت قانون در جامعه نیز کمک شایانی مینماید. نخستین بار حمایت از شهود، در ایالات متحده آمریکا و در دهه ی ۱۹۷۰ میلادی در قانون کنترل جرایم سازمان یافته مورد توجه قرار گرفت؛ گواهی به عنوان یکی از مهم ترین ادله ی اثبات دعاوی

کیفری، از گذشته تاکنون مورد توجه می باشد. ادای شهادت در راستای کشف حقیقت، شاهد را در معرض خطر و تهدید از سوی مرتکبان جرایم قرار خواهد داد. به همین علت، پاسداشت عدالت و دادگستری از یک سو و صیانت از شهروندان به ویژه در مقام همکاری با دستگاه قضایی و پلیس و حمایت از بزه دیدگان جرایم از سوی دیگر، توجیه کننده ی حمایت از شهود می باشد. حمایت از شاهد در پرتو رویکردهای حمایتی مختلف امکان پذیر است؛ یکی از کارآمدترین و مؤثرترین رویکردها، پیش بینی اقدامات حمایتی در قوانین کیفری (شکلی و ماهوی) می باشد؛ تا مقام قضایی بتواند با توجه به قانون و ضرورت اعمال این برنامه ها در هر مورد خاص، دستور به اجرای آنها بدهد. در نظام حقوقی ایران نیز با تمسک به برخی مواد قانونی، می توان اقداماتی هر چند محدود را برای حمایت از شهود انجام داد. با این وجود، باید توجه داشت که اجرای برخی از این برنامه ها به حقوق متهم، این میراث حقوقی و گرانمایه های جامعه بشری، خدشه ای اساسی وارد می نماید. برای نمونه مخفی ماندن هویت شاهد موجبات سقوط حق پرسش و جرح شاهد توسط متهم و خروج از دادرسی عادلانه را فراهم خواهد آورد. از جمله اهداف تحقیق میتوان به تغییر قوانین دادرسی کیفری جهت حمایت از شهود که شهادت نیز جز ادله اثبات دعوا می باشند و نقش مهمی در کشف جرایم و تعقیب متهم دارند و همچنین ارایه راهکارهایی جهت حمایت از شهود در مقابل تهدیدات شخص مقابل در ایران و محاکم را اشاره کرد. در این راستا با استفاده از مطالعه ی کتابخانه ای و با روش تجزیه و تحلیل داده ها از طریق روش تحلیلی استنباطی سیاستهای جنایی حمایت از شهود در دعاوی کیفری با رویکرد تقنینی حقوق جزایی ایران را مورد بررسی قرار داده ام.

بند اول: تعریف شاهد

شاهد در اصطلاح حقوقی به معنای کسی است که وقوع جرمی را مشاهده کرده و یا شنیده و بخواهد درباره آن به مقامات صالح قضایی خبر بدهد گواه یا شاهد گفته می شود. در کشور ما برای امتناع از شهادت بویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی مجازاتی انشاء نشده است و ادای شهادت یک وظیفه اخلاقی و شرعی به محسوب می شود. اگر شهادت شهود به عنوان ادله ارائه شد و شاهدان حاضر به ادای شهادت بشوند، مقام قضایی باید شهادت شاهدان را بشنود.



قانونگذار کیفری در ماده ۱۹۳ قانون آ.د.ک ضمن معین نمودن مراحل رسیدگی در دادگاه، به لزوم شنیدن اظهارات شاهدان اشاره می کند. شهادت عبارت است از: اطلاعات یک شخص خارج از دعوی که موضوع مورد ادعا را دیده باشد یا شنیده باشد یا اگر از موارد دیدنی و شنیدنی نبود از آن آگاهی داشته باشد. یعنی شخصی از واقعه ای جزئی یا کلی که بین دو یا چند نفر صورت گرفته است در دادگاه خبر دهد یا اطلاع رسانی کند. به دلیل اهمیت بالا هم برای شاهد و هم برای شهادت شرایط و ضوابط سنگین و دقیقی پیش بینی شده است شاهد یا گواه ممکن است عینی باشد که مشاهدات خود را بیان نماید. ممکن است گواه سمعی باشد که شنیده های خود را منتقل سازد و یا شهادت او مستلزم به کارگیری این دو و دیگر حواس باشد. (آشوری، ۱۳۸۴، ۳۹)

تغییر در نحوه تحصیل شهادت: شهادت یکی از وسایل اثبات واقعیت و کاشف حقیقت می باشد و این کشف حقیقت فقط در خدمت تأمین منافع خصوصی افراد زیان دیده نمی باشد و به این قلمرو محدود نمی گردد، بلکه از آنجا که ارتکاب جرایم، موجبات اخلال در نظم و امنیت عمومی را فراهم می کنند، لذا کشف حقیقت، حمایت از منافع و مصالح عمومی اجتماع را نیز لحاظ می کند. توجه به این مسئله، قانونگذاران برخی از کشورها را به فکر آن انداخته، به منظور حمایت از شهودی که به کشف حقیقت کمک می کنند شیوه تحصیل شهادت را تغییر دهند، اما همیشه به این موضوع نیز توجه داشته اند که تغییر در شیوه تحصیل شهادت، منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

بند دوم: حمایت از شهود در جلسه دادرسی

یکی از مهم ترین شیوه های حمایت از شهود، حمایت از شاهدی است که در جلسه دادرسی حضور می یابد. مواجهه شاهد با متهم در همان جلسه ممکن است خطراتی را برای شهود داشته باشد. یکی از راهکارهای حمایتی اینگونه است که در شیوه تحصیل شهادت در جلسه دادرسی تغییر داده شود. و « ایجاد مانع بین شاهد و متهم » (الف) « غیر علنی کردن جلسه دادرسی » (ب) از شیوه های مورد استفاده در جلسه دادرسی هستند. روش حمایتی، با استفاده از محافظی از شاهد حمایت می گردد. اتخاذ این اقدام حمایتی مصداقی آشکار از

استفاده از روش های پیشگیری وضعی از جرم میباشد. به این معنا که « کنترل و ابتکار جای مجازات و انفعال را می گیرد و با اتخاذ اقدامات مناسب با هر هدفی که ممکن است آماج جرم قرار گیرد ، سعی در پیشگیری از تجاوز به آن می گردد با روش وضعی به پیشگیری ، جرم قابل پیش بینی بوده و صرف نظر از اینکه مرتکب تحت تأثیر چه عاملی بوده ، از طریق کاهش فرصت های ارتکاب جرم و آماج های آن ، با اعمال روش های فیزیکی (مادی) می توان وقوع آن را ممتنع و خنثی نمود ». بنابراین در صورتی که محافظ پلیس به همراه شهود در جلسه دادرسی حاضر باشد ، از آماج جرم (شاهد) حفاظت شده و از وقوع جرم (آسیب به تمامیت جسمانی شهود) جلوگیری می گردد. بکارگیری این راهکار حمایتی از شهود ، پاسخ مناسبی به مخالفان حمایت از شهود است. زیرا در بیشتر روش های حمایت از شاهد، از رو به رو شدن شاهد با متهم جلوگیری می شود. در حالی که در این روش، شاهد و متهم با هم رو به رو می شوند و متهم می تواند سؤالات خود را به صورت مستقیم از شاهد سوال کند. روش حمایتی دیگر در جلسه دادرسی می تواند اخراج تهدیدکننده شهود از جلسه دادگاه در نظر گرفته شود. بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران « اخلال در نظم دادگاه موجب غیر علنی شدن محاکمه نیست و باید به نحو مقتضی نظم برقرار گردد ». تهدید شاهدان در دادگاه یکی از مصادیق بارز اخلال در نظم عمومی دادگاه می باشد. لذا در جهت حمایت از شهود و بازگرداندن نظم به جلسه دادگاه قاضی می تواند حکم به اخراج تهدید کننده بدهد. (خالقی، ۱۳۸۷، ۴۹)



بند سوم: تحصیل شهادت در خارج از جلسه دادرسی

در بعضی موارد حفظ امنیت شهود ایجاب می کند تا شهادت شهود در خارج از جلسه دادرسی انجام گردد. این شیوه حمایتی که بیشتر به منظور جلوگیری از مواجهه شاهدان با متهم اتخاذ می گردد ، به طرق مختلفی انجام می شود. « استفاده از وسایل ارتباط از راه دور » (الف) ، « شهادت در اتاق قاضی بدون حضور متهم » (ب) و « حضور قاضی در محل اقامت شاهد » (پ) ، از شیوه های اتخاذ شده در این روش میباشند.

بند چهارم: ضرورت حمایت از شهود بر اساس ویژگیهای خاص برخی از جرائم

شدت بعضی از جرائم و تبعات سنگین آن بر جامعه و آثار خطرناک آن از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، ضرورت رسیدگی و تسریع دادرسی جهت جلوگیری از آثار زیان بار آن جرائم را طلب میکند. در بیشتر مواقع، شاهد، به عنوان ادله اثباتی، حرف اول را می زند. در اینگونه جرائم، حمایت از شاهد میتواند راهکار مؤثری در کشف جرم، مجازات متهم یا متهمین و اجرای عدالت قرار گیرد.

بخش دوم: حمایت های مالی از شهود

در جوامع کنونی، اشخاص برای گذران معیشت، مجبور به انجام کارها می باشند و تلاش آنها نیز در این است که به منافع اقتصادی بیشتری دست یابند. غالباً سعی می کنند تا از انجام هر کاری که مانعی در راه به دست آوردن درآمد روزانه آنها گردد، پرهیز نموده و همیشه در نگهداری اموال و دارایی های خود از تدابیر مختلفی بهره می گیرند که در این رابطه، اگر شهود به منظور ادای شهادت مجبور شود کار خود را تعطیل کند و متهم نیز او را تهدید به از بین بردن اموال او کند، امکان اینکه شهود از ادای شهادت امتناع بورزد، بسیار زیاد است. اگرچه برخی افراد بدون توجه به مال و ثروت و صرفاً در پاسخ به ندای وجدان خود مبنی بر کمک به اجرای عدالت، حاضر به ادای شهادت هستند، اما تشویق شهود به ادای شهادت، می طلبد تا در صورت ضرورت از آنها حمایت های مالی مؤثری نیز انجام شود.

بند اول: پرداخت خسارت به شاهد در صورت ادعای ضرر و زیان

پرداخت خسارت به شاهد در صورتی که وی متحمل خسارتی گردیده باشد و از دادگستری تقاضای جبران خسارت نیز نموده باشد، از جمله شیوه های حمایتی غیر کیفری است که می تواند مورد توجه قرار بگیرد. چه بسا شهود برای ادای شهادت مجبور باشند، یک یا چند روز کاری خود را تعطیل کرده و برای رفت و آمد به دادگاه هزینه نیز پرداخت نمایند. « شاهدان کار خود را برای کمک به دادگاه قربانی می نمایند ». بنابراین در صورتی که شهود ادعای

خسارت و جبران ضرر و زیان از ادای شهادت را کند، دادگستری به منظور حمایت از آنها باید جبران خسارات وارده به آنها را بکند. در مواردی ادای شهادت موجب می گردد شاهد نتواند به شغل قبلی خود باز گردد، به ویژه زمانی که شاهد دارای شغلی است که برای آن باید کسب مجوز کند. در این حالت مانند زمانی که شهود از طریق تغییر محل اقامت خود به طور دائمی حمایت می شود، باید هزینه های زندگی شهود که در صدد کمک به احقاق حق و اجرای عدالت برآمده است، پرداخت شود. زیرا شاهد نمی تواند در محل اقامت جدید خود کسب مجوز نموده و مشغول به کار شود. در همین راستا در ماده ۱۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری آمده: « در صورتی که شهود یا مطلعین برای حضور در دادگاه مدعی ضرر و زیانی از حیث شغل و کار خود شوند و یا درخواست هزینه ایاب و ذهاب کنند، دادگاه پس از تشخیص ورود ضرر، میزان آن را تعیین می نماید و متقاضی احضار مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری است. (خالقی، ۱۳۸۹، ۶۴)

بند دوم: ضمانت اجرای قانونی پرداخت مطالبات شهود در صورت عجز طرفین از تامین خسارات ناشی از گواهی شهود

هرگاه متقاضی ملزم به حضور، توانایی پرداخت هزینه یاد شده را به تشخیص مرجع احضار کننده نداشته باشد و یا احضار به دستور مرجع رسیدگی کننده باشد از بیت المال پرداخت می شود بطوریکه در ماده ۲۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر شده: « در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زیانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه ای که قوه قضائیه اعلام می کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شخصی را که متقاضی احضار شاهد یا مطلع است مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می نماید. هرگاه متقاضی احضار، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه های مذکور از محل صندوق دولت پرداخت می گردد.». لذا اگر متقاضی احضار قادر به جبران خسارت نباشد یا دادگاه متقاضی حضور شاهد باشد، جبران خسارت از طریق صندوق دادگستری صورت گیرد. همچنین در ماده ۳ پیش نویس



لایحه حمایت از منابع و شهود مقرر شده « در صورتی که به منابع و شهود موضوع این قانون، در راستای مأموریت محوله و یا همکاری خسارتی (اعم از مادی و معنوی) وارد آید، سازمان ذیربط مکلف است جبران خسارت نموده و همانند مستخدمان رسمی خود و در حدود مقرر در قوانین موضوعه از جمله قانون مسئولیت مدنی مورد حمایت قرار بدهد». در بند ج ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد نیز « جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه وارد کننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد « پیش بینی گردیده. « در این صورت دولت جانشین زیان دیده محسوب و می تواند خسارت پرداخت شده را مطالبه کند». پیش بینی شده می باشد. حتی در راستای جلوگیری از وارد آمدن هرگونه خسارت مادی به شاهد به دلیل ادای شهادت در بند د ماده مذکور آمده است « هرگونه رفتار تبعیض آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن قبل از موعد، ارزشیابی غیر منصفانه، جابجایی، تغییر وضعیت، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایا نسبت به مخبر، گزارش دهنده و منبع که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی صلاح قانونی منعکس نموده باشد ممنوع می باشد». توجه به ماده ۲ اصلاحیه آیین نامه اجرایی قاچاق موضوع ماده ۲۸ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور (مصوب هیأت وزیران ۱۳۷۱/۱۲/۶)، نشان می دهد که باید ۲۵ درصد از درآمد حاصل از دریافت جرایم و فروش مواد بازداشتی موضوع ماده ۲۸ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع، به مخبرین پرداخت گردد.^۱ علاوه بر این در ماده ۸ لایحه حمایت از منابع و شهود در رابطه با پرداخت حق الزحمه افرادی که به عنوان نفوذی و مخبر عمل می کنند آمده: « حق الزحمه منابع، با توجه به نوع و میزان مأموریت، کارآیی و عملکرد آنها، توسط مراجع ذی صلاح تعیین و پرداخت خواهد گردید». در واقع مخبرین و افراد نفوذی به عنوان یک شغل و کار، ارتکاب جرم را به مقامات اطلاع می دهند و دستمزد می گیرند. به همین علت در پیش نویس لایحه حمایت از منابع و شهود بین پرداخت خسارت و پرداخت حق الزحمه تفاوت قائل

^۱ در مورد موارد مختلفی که در آن مخبر بر اساس این قانون مستحق دریافت حق الزحمه است ر. ک: تبصره های ۲، ۳، و ۴ ماده ۲ و مواد ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ قانون مذکور.

شده و ماده ۳ را به موضوع پرداخت خسارت و ماده ۸ را به موضوع پرداخت حق الزحمه مختص می نماید. همچنین در راستای حمایت از شاهد می توان شغل جدیدی برای شاهد فراهم نمود تا دادن هرگونه سرنخی به دست مرتکبین جرایم پرهیز گردد. در این حالت، اگر از این شغل جدید، دستمزد کمتری نصیب شاهد شود و در واقع شاهد به نوعی خسارت ببیند، این خسارت توسط دستگاه قضایی پرداخت شود که طبیعتاً لازمه اجرای این شیوه حمایتی، تصویب اتخاذ این نوع حمایت در قانون و تعیین منابع لازم برای اجرای آن می باشد. منظور از پرداخت خسارت به شهود، پرداخت دستمزد در ازای دادن شهادت نیست زیرا شهادت یک وظیفه اخلاقی بوده و قابل برآورد مالی نیست. اگرچه در جهت حمایت از شهود می توان خسارات وارده به او را جبران کرد. در حالی که فرد نفوذی و مخبر در ازای دادن اطلاعات، حقوق و دستمزد دریافت می نماید و در واقع شغل و کار آنها، کسب اطلاعات و شهادت در نزد دادگاه است. اگرچه حمایت از فرد نفوذی و مخبر نیز با استفاده از شیوه های دیگر بسیار ضرورت دارد، اما دادن دستمزد به آنها به منظور حمایت از آنها نیست، بلکه آنها حقوق خود را دریافت می نمایند. علاوه بر قوانین داخلی در برخی موافقت نامه های منطقه ای به پرداخت خسارت به شاهد در جهت ادای شهادت اشاره شده است. به عنوان نمونه در ماده ۲۹ قانون موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مقرر شده: « شاهد یا کارشناس مذکور در ماده سابق می تواند از کشور درخواست کننده تقاضای هزینه سفر و اقامت و اجرتی که از آن محروم شده را کند ». در موافقت نامه های دیگری نیز بین ایران و سایر کشورها پرداخت خسارت به شاهد اشاره شده



۱. « در صورتی که به منابع و شهود موضوع این قانون، در راستای مأموریت محوله و یا همکاری خسارتی (اعم از مادی و معنوی) وارد آید، سازمان ذی ربط مکلف است جبران خسارت نموده و همانند مستخدمان رسمی خود و در حدود مقرر در قوانین موضوعه از جمله قانون مسئولیت مدنی مورد حمایت قرار دهد ».

۲. « حق الزحمه منابع با توجه به نوع و میزان مأموریت، کارآیی و عملکرد آنها توسط مراجع ذی صلاح تعیین و پرداخت خواهد شد ».

می باشد.^۱ با وجود اینکه این شیوه حمایتی در قوانین داخلی و موافقت نامه های منطقه ای بیان شده اما در اسناد بین المللی به صراحت از این روش سخنی به میان نیامده ، البته شاید بتوان گفت در جرایم بین المللی حمایت از جان شهود ضروری و بدیهی بوده و نقل و انتقال آنها توسط نهادهای مستقر در دادگاه های بین المللی صورت می گیرد^۲، لذا از دیدگاه تدوین کنندگان این اسناد لزومی به ذکر این شیوه حمایتی احساس نگریده و علاوه بر این می توان گفت که در بیشتر اسناد بین المللی همانگونه که قبلا نیز ذکر شد ، شیوه های حمایتی از شهود به صورت مصداقی ذکر گردیده و می توان این تدابیر حمایتی را نیز اعمال کرد.

بند سوم: حمایت از اموال شاهد

امروزه مفهوم مالکیت خصوصی یکی از پایه های اساسی جامعه است و لازمه حقوق و آزادی های مدنی اشخاص محسوب می شود.^۳ « تردیدی نیست که مفهوم مال و مالکیت از تأسیسات اصلی جامعه و حمایت از آنها از اهداف مهم دولتها محسوب می شود ». (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲، ۱۹) به همین علت همانگونه که آزادی های فیزیکی افراد مثل تعیین نوع شغل یا محل اقامت مورد حمایت می باشد، حقوق و منافع مالی افراد نیز باید مورد حمایت قرار بگیرد. بنابراین تهدید به اموال شخص را می توان همانند تهدید به جان آنها دانست زیرا در هر دو مورد حریم وی مورد تجاوز قرار گرفته است؛ لذا تهدید شهود به از بین بردن اموال آنان به



^۱ این موارد عبارتند از: بند ۵ ماده ۱۲ قانون موافقتنامه معاضدت و روابط قضائی در موضوعات مدنی و جزائی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان، بند ۵ ماده ۱۲ قانون موافقتنامه معاضدت وقضائی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، بند ۶ ماده ۹ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان، بند ۶ ماده ۹ قانون موافقتنامه همکاری قضائی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری افغانستان، بند ۴ ماده ۱۱ قانون معاهده معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس، بند پنجم ۹ قانون معاهده معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری الجزایر، قسمت، شماره ۳ ماده ۵ قانون موافقتنامه معاضدت حقوقی دوجانبه در موضوعات کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی، بند ۵ ماده ۱۲ قانون موافقتنامه دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده های مدنی و جزائی.

^۲ در رابطه با این روش حمایتی، در گفتار دوم همین مبحث به تفصیل بحث خواهد شد.

^۳ اصل چهل و هفتم قانون اساسی بیان می کند: « مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است ».

دلیل ادای شهادت و کمک به اجرای عدالت می‌طلبد تا از اموال شهود حفاظت به عمل بیاید. بر اساس اساسنامه دادگاه روآندا، یکی از وظایف بخش حمایت از شهود و بزه دیدگان، گسترش برنامه‌های کوتاه مدت بلندمدت برای حمایت از شهودی است که پیش از برگزاری جلسه دادگاه شهادت داده‌اند و نسبت به زندگی، اموال یا خانواده‌شان تهدید شده‌اند. گرچه این تدبیر حمایتی در قوانین داخلی مورد توجه واقع نشده اما استفاده از این روش حمایتی با توجه به تأثیر بالای آن در حمایت از شاهد در حقوق داخلی کشورها ضروری به نظر می‌رسد.

بند چهارم: حمایت‌های جسمانی

جسم و جان انسان (برخلاف مال) تنها دارایی واقعی او و جزئی از وجود انسان است. به همین علت از زمان‌های گذشته در نظام‌های حقوقی مختلف برای مرتکبین جرایم علیه تمامیت جسمانی مجازات‌های سنگینی پیش‌بینی می‌شد. حفظ حیات و پاسداری از جسم و جان از اموری است که هر انسان به‌طور ناخودآگاه به انجام آن اهمیت می‌دهد. قتل، انسان را از عزیزترین دارایی وی، یعنی حیات، محروم می‌سازد و تنها جرمی است که صدمه ناشی از آن غیر قابل جبران است. در صدمات جسمانی چه به صورت موقت و چه به صورت دائم نیز، بزه دیده متحمل درد و رنج فراوان می‌شود. بنابراین، در صورتی که شخصی به عنوان شاهد حاضر به ادای شهادت گردد و در عین حال از سوی مرتکبین تهدید به انتقام جویی و صدمه به تمامیت جسمانی گردد، ضرورت حمایت از شاهد بیش از پیش احساس می‌گردد. زیرا تهدید به قتل یا آسیب‌های جسمانی ممکن است باعث انصراف شهود از ادای شهادت گردد. یکی از بهترین شیوه‌های حمایتی در این حالت، حمایت‌های جانی یعنی حمایت از جسم و جان شاهد است. این شیوه حمایتی غیر کیفری می‌تواند هم «در جلسه دادرسی» (الف) و هم «در خارج از جلسه دادرسی» (ب) انجام گیرد.

بخش سوم: حمایت از شهود در خارج از جلسه دادرسی

اتخاذ این روش حمایتی نیز مبتنی بر روش‌های پیشگیری وضعی است. یکی از شیوه‌های مورد استفاده در این روش استخدام محافظین پلیس برای رفت و آمد شهود به دادگاه می‌باشد



تا در صورتی که متهم و شاهد در خارج از جلسه دادرسی با یکدیگر مواجه شدند، متهم نتواند آسیبی به شاهد بزند. شیوه حمایتی دیگر می تواند تهیه سالن های جداگانه انتظار برای شهود باشد. در این صورت از مواجهه متهم با شاهد در خارج از جلسه دادرسی جلوگیری می شود. « این سالن ها و اتاق های انتظار مجزا که در ساختمان اصلی دادگستری تهیه می شوند به نحوی است که هر یک از بزه دیدگان، شهود و متهمین تا زمان فرارسیدن وقت رسیدگی در آنجا نگهداری می گردند ». همچنین استفاده از لباس های ضد گلوله در خارج از جلسه دادرسی و در هنگام انتقال شاهد به دادگاه به ویژه در جرایمی مانند جرایم سازمان یافته و تروریستی می تواند راهبردی مؤثر در راستای حمایت از شهود در نظر گرفته شود. بطوریکه در ماده ۱۰ پیش نویس لایحه حمایت از منابع و شهود نیز ذکر شده که: در صورت در معرض خطر و تهدید قرار گرفتن منابع و شهود، مراجع ذی صلاح مکلف به حمایت امنیتی از آنان می باشند

بخش چهارم: آیین نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان

این آیین نامه در اجرای تبصره یک ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن مشتمل بر ۱۸ ماده و ۷ تبصره به تصویب رساند و ابلاغ نمود. یکی از شرایط دادرسی منصفانه و عادلانه، رعایت اصل بی طرفی، تساوی سلاحها، دادرسی علنی و توافقی می باشد؛ اما از آنجائیکه در برخی موارد وقوع جرایم به صورت سازمان یافته و تروریستی و یا جرایم علیه بشریت ارتکاب می یابد اثبات آنها مستلزم همکاری و مشارکت مردمی و شاهدان عینی و مطلعین می باشد. دولتها برای مقابله با این موضوع و نیز پیشگیری از جرایم یاد شده، با جرم انگاری برخی از این اعمال در نظام کیفری داخلی و همچنین از طریق تنظیم اسناد بین المللی، اقدام به حمایت از بزه دیده، شهود و حتی قاضی مربوط می کنند افزود: در این خصوص می توان در سطح داخلی به ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی در مورد جرم انگاری تهدید شهود، در سطح بین المللی کنوانسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۳ مریدا و کنواسیون سازمان ملل علیه جرائم سازمان یافته فراملی ۲۰۰۰ پالرمو اشاره نمود. با توجه به ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ یادآور می شوم موضوع ماده یاد شده تا کنون به صورت

مستقیم سابقه تقنینی نداشت و در راستای اهداف مذکور و نیز سیاست جنایی مشارکتی پیش بینی شده است تا کارگزاران عدالت کیفری با آسودگی خاطر بیشتر و بدون اینکه خطری متوجه شاهدان عینی باشد در جهت اجرای عدالت پیش بروند. آیین نامه به چگونگی مواجهه شاهد یا مطلع با شاکی و متهم و چگونگی اجرای حق پرسش طرفین دعوی از شهود پرداخته شده و در صورت بیم خطر یا احتمال ورود ضرر و صدمه، مقام قضایی از طریق سازکارهای پیش بینی شده در آیین نامه به استماع شهادت شهود از طریق وسایل ارتباطی از راه دور اقدام می نماید. همچنین در این آیین نامه پیش بینی شده است در موارد ضروری در راستای حمایت از شهود، تدابیر لازم از قبیل گشت های منظم پلیس در محل کار یا سکونت شهود یا خانواده آنها و نیز در اختیار قرار دادن وسایل دفاعی لازم از قبیل افشانه های دفاع شخصی و یا حتی در صورت امکان تغییر محل اشتغال کارکنان دولت تدابیر لازم اتخاذ گردد.

بخش پنجم: مصونیت شاهد و اخذ ضمانت احتیاطی

اتخاذ روش هایی به منظور حمایت از شهود در فرآیند دادرسی کیفری در قوانین ماهوی، افزون بر جرم انگاری برخی اعمال، می تواند شامل تدابیر دیگری نیز باشد. این تدابیر که به منظور حمایت از شهود صورت می گیرد، می تواند به صورت جرم زدایی از یک عمل نسبت به شاهد و یا اتخاذ تدابیری به منظور جلوگیری از تهدید شاهد باشد؛ لذا در صورتی که شاهد در هنگام ادای شهادت، جرمی را به دیگری نسبت داد در راستای حمایت از او، جرم افترا محقق نگردیده (الف) و شاهد مصون از تعقیب و مجازات باشد. افزون بر این، در صورتی که شاهد توسط متهم تهدید گردد، با گرفتن ضمانت احتیاطی از او (ب)، بتوان مانع به اجرا گذاشتن تهدید توسط متهم شد. افترا از جمله جرایمی است که به شخصیت معنوی افراد لطمه می زند؛ لذا قانونگذار ایران در ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: « هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آن ها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آن ها حسب مورد محکوم



خواهد گردید. تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب شود هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت کند مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد گردید. « برای تحقق جرم افترا، که در قوانین کشورهای مختلف نیز جرم انگاری شده است،^۱ سه شرط لازم می باشد:

اول، مرتکب باید جرمی را به دیگری نسبت بدهد. به نظر می رسد با توجه به واژه « کسی » در ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی، این جرم از سوی اشخاص حقوقی نیز قابل ارتکاب می باشد. قانونگذار فرانسوی در ماده ۱۲ - ۲۲۶ به صراحت ارتکاب جرم افترا را از سوی اشخاص حقوقی امکان پذیر دانسته است.^۲

دوم، لازمه جرم افترا آن است که مرتکب « صریحا » جرمی را به دیگری نسبت بدهد. « عنوان جرم انتسابی باید به گونه ای باشد که احتمال خلاف در آن و داشتن معانی مختلف متنفی و عنوان انتسابی همان عنوانی باشد که قانون آن را جرم می داند. » سوم، مرتکب قادر نباشد صحت اسناد را اثبات کند؛ لذا اگر بتواند ارتکاب جرم از ناحیه منتسب الیه را به اثبات برساند، مفتری محسوب نخواهد گردید.

برای تحقق جرم افترا علاوه بر تحقق عنصر مادی، مرتکب باید دارای عنصر روانی لازم باشد. بنابراین « اولاً، عمل نسبت دادن را عامدا انجام بدهد.... ثانیاً، به جرم بودن نسبتی که به قربانی می دهد آگاه است ثالثاً مرتکب باید از دروغ بودن نسبتی که به دیگری می دهد آگاه است. ». برای تحقق این جرم وجود سوء نیت خاص ضروری نمی باشد. توجه به ارکان تشکیل دهنده جرم افترا، ما را به این موضوع رهنمون می سازد که اگر شاهد نیز در مقام ادای شهادت، جرمی را به دیگری نسبت بدهد، مرتکب جرم افترا گردیده است، در حالیکه چنین نتیجه ای بر خلاف فلسفه شهادت می باشد؛ زیرا، علی الاصول شهود براساس اراده و اختیار خود و به قصد روشن شدن حقیقت و همکاری با دادگستری حاضر به ادای شهادت می شوند

^۱ به عنوان نمونه ماده ۱۰ - ۲۳۶ قانون مجازات فرانسه، به جرم انگاری افترا پرداخته است.

^۲ ماده ۱۲-۲۲۶ قانون مجازات فرانسه « اشخاص حقوقی ممکن است از حیث مجازات، در شرایط پیش بینی شده در ماده ۱۲۱-۲ در صورت ارتکاب جرم پیش بینی شده در ماده ۱۰-۲۲۶ مسئول اعلام گردند ».

و اگر شهود در معرض مجازات و مسؤولیت کیفری قرار گیرند، هیچ گاه برای ادای شهادت پیشگام نخواهند گردید. تعقیب شاهد تحت عنوان جرم افترا برخلاف موازین و مقررات قانونی می باشد؛ زیرا همانگونه که برخی حقوقدانان گفته اند این قانون است که به شهود دستور می دهد حقیقت را بگویند و هرگاه در بیان حقیقت جرمی را به دیگری انتساب دهند، از مسؤولیت کیفری معاف می باشند که این خود، نتیجه امر قانونی و از عوامل موجهه جرم می باشد. اما برعکس توهین و افترای به شاهد به دلیل ادای شهادت باید قابل مجازات باشد که عمومات حقوق جزا نیز بر این موضوع صحه می دارد. علاوه بر مصونیت شاهد از افترا به دلیل ادای شهادت، مصونیت شاهد در مورد دیگری نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. در موافقت نامه های دیگری نیز بین ایران و سایر کشورها به مصونیت شاهد از تعقیب، محاکمه و مجازات اشاره شد.^۱ از آنجا که بر اساس ماده ۹ قانون مدنی این موافقت نامه ها در حکم قانون و لازم الاجرا می باشند، در حال حاضر که در قانون داخلی ماده ای که به صراحت حمایت از شاهد و راهکارهای آن را پیش بینی نموده باشد، وجود ندارد، این موافقت نامه ها تا حدی می توانند در برخی موارد خلاء قوانین داخلی را پر کنند.

بخش ششم: حمایت در قوانین شکلی

در کنار قوانین جزایی ماهوی، آیین دادرسی کیفری نیز به طور غیرمستقیم با پیش بینی پاره ای از تدابیر کیفری در مقام حمایت از شاهد تلاش نمود. قانون آیین دادرسی کیفری تبلور حقوق و آزادی های شهروندان اجتماع است تا آنجا که برخی نویسندگان معتقدند برای

^۱ این موارد عبارتند از: بند ۱ ماده ۱۷ قانون موافقتنامه همکاری های حقوقی و قضائی در امور مدنی، تجاری، احوال شخصی و جزئی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت کویت، بند ۳ ماده ۱۲ قانون موافقتنامه معاضدت و روابط قضائی در موضوعات مدنی و جزائی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان، بند ۳ ماده ۱۲ قانون موافقتنامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان، بند ۴ ماده ۹ قانون موافقتنامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری افغانستان، بند ۲ ماده ۱۱ قانون معاهده معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس، بند سوم ماده ۹ قانون معاهده معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری الجزایر، بند ۳ ماده ۱۲ قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده های مدنی و جزائی.



شناخت میزان حقوق و آزادی های اشخاص در یک جامعه باید به سراغ آیین دادرسی کیفری آن کشور رفت. شکی وجود ندارد که صیانت از اجتماع و حفظ حقوق شهروندان فقط با وضع مجازات برای اعمالی که جرم محسوب می گردند، تضمین نمی شود. در کنار مجازات قانونگذار باید در صدد وضع مقرراتی باشد که امکان کشف جرم، تعقیب متهم و تسریع در اجرای کیفر در مورد مجرم را فراهم سازد و در عین حال حقوق شهروندان جامعه به ویژه متهم را در کنار حمایت از منافع اجتماع تضمین کند. تعادل و توازن بین حقوق اشخاص و جامعه می طلبد تا بدون دلیل یکی بر دیگری تفوق و برتری مشخص نباشد. به همین علت در فرآیند دادرسی کیفری جز در موارد قانونی امکان نادیده انگاشتن این حقوق نیست. یکی از مواردی که در موضوع حمایت از شهود در نگاه خرد و حمایت از عدالت و اجتماع در نگاه کلان مطرح می گردد، سلب حق آزادی و اخذ تضمین از متهم، اجازه بازداشت موقت متهم (گفتار نخست) و یا اخذ وثیقه از او (گفتار دوم) را می دهد در حالی که دستور به سایر قرارهای تأمینی به دلیل خفیف بودن نمی تواند هدف حمایت از شهود را برآورده کند.

بند اول: بازداشت موقت متهم در صورت تهدید شهود و مطلعین

بازداشت موقت « قرار تأمین شدید و سنگینی می باشد که علیه آزادی متهم تا صدور حکم از سوی قاضی صادر می شود ». (جویاری، ۱۳۸۹، ۴۶) قرار بازداشت موقت با اصل برائت^۱ و آزادی رفت و آمد^۲ افراد مغایر می باشد و « نتایج زیان بار آن غیرقابل جبران می باشد »؛ لذا، قانونگذاران تلاش نموده اند موارد صدور قرار بازداشت موقت را تحت نظم و قاعده خاصی در آورده و آن را در اختیار قضات قرار نگذارند. به تبعیت از این موضوع، قانونگذار ایرانی نیز

۱. اصل ۳۷ قانون اساسی بیان می دارد: « اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد ». ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مؤید این امر است.
۲. آزادی رفت و آمد در اسناد ذیل مورد توجه قرار گرفته است: ماده ۹ و بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بندهای ۱ تا ۴ ماده ۱۲ و نیز ماده ۱۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ و نیز ماده ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

به منظور تأمین عدالت و تضمین حقوق سایر شهروندان موارد صدور قرار بازداشت موقت را در قانون احصا نموده و دو نوع بازداشت موقت را پیش بینی کرده است که عبارتند: اول، قرار بازداشت موقت اختیاری؛ دوم، قرار بازداشت موقت اجباری. مبنای قانونی صدور قرار بازداشت موقت اختیاری، ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری می باشد. در این ماده مقرر شده: «در موارد زیر هرگاه قراین و امارات

موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم کند، صدور قرار بازداشت موقت جایز می گردد...

د - در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم باشد یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه شده و یا سبب گردد که شهود از ادای شهادت امتناع ورزند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود...». در ماده ۳۵ قانون مذکور در مورد قرار بازداشت موقت اجباری مقرر شده: «در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره های آن، هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم کند، صدور قرار بازداشت موقت الزامی می باشد...

در توضیح این دو ماده، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ی ۷ / ۹۰۶۰ مورخ ۱۶ / ۳ / ۱۳۷۹ اعلام داشته: «در ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت احصاء شده می باشد، لیکن در ماده ۳۵ همان قانون، موارد الزامی بودن صدور قرار بازداشت موقت تعیین شده است. بنابراین در جایی که بند «د» ماده ۳۲ قابل تحقق بوده و جرایم نیز از جرم های مذکور در ماده ۳۵ باشد، توقیف الزامی می باشد، لیکن

اگر بند «د» قابل تحقق نباشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی نخواهد بود. به عبارت دیگر هر جا از جرایم احصاء شده در ماده ۳۵ و همراه با قیود ماده ۳۲ باشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی و در غیر این صورت جایز می گردد.»

بند «د» ماده ۳۲ قانون مذکور، دارای اهمیت بسیاری است و قاضی در صدور قرار بازداشت موقت باید قیود ماده ۳۲ را مدنظر قرار بدهد. یکی از قیدهایی که قانونگذار در بند «د» ماده



۳۲ ذکر نموده و مرتبط با بحث حمایت از شهود می باشد، ذکر این موضوع است که اگر آزادی متهم سبب شود شهود از ادای شهادت خودداری کنند، قاضی می تواند و در موارد مذکور در ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف می باشد، قرار بازداشت موقت متهم را صادر کند. در واقع ذکر این قید به معنای آن است که متهم، شهود را تهدید نماید که در صورت ادای شهادت آسیبی به آن ها و یا خانواده آن ها وارد می شود.

« خطر اثرگذاری بر شهود و مطلعان وقتی می تواند مطرح می شود که اقداماتی به طرق غیرمشروع (تهدید، تطمیع و غیره معمول شود و یا احتمال آن وجود داشته باشد ». (آشوری، ۱۳۸۷، ۱۴۸) با وجود این که در این ماده، قانونگذار به صراحت بیان نموده است که شهود به دلیل تهدید متهم و ترس از آسیب رسانی او حاضر به ادای شهادت نگردند، اما منظور قانونگذار از وضع این ماده، همین مهنا را به ذهن متبادر می کند. در حال حاضر بند « د » ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در حالی که هنوز قانون و حتی ماده مشخصی در مورد حمایت از شهود در حقوق ایران وجود ندارد، یکی از مهمترین موادی است که حمایت از شهود را مدنظر قرار می دهد.

در ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز مقرر شده : « بازداشت موقت فقط هنگامی می تواند دستور داده یا تمدید شود که تنها راه و شیوه برای موارد ذیل باشد:

نگهداری ادله یا قرائن مادی یا جلوگیری از فشار بر شهود یا بزه دیدگان، یا جلوگیری از تبانی بین اشخاص تحت بررسی و معاونان،...». در این ماده قانونگذار فشار بر شهود را از جمله مواردی دانسته است که صدور قرار بازداشت موقت جایز می باشد. فشار بر شهود و مطلعان از یک سو، ممکن است باعث شود تا آن ها از ادای شهادت خودداری کنند و از سوی دیگر، ممکن است باعث شود تا شهود، در ادای شهادت به دروغ متوسل گردند. توجه به این مهم، قانونگذار فرانسه را واداشته است که بازداشت موقت متهم به منظور جلوگیری از تأثیر بر شهود را در قانون پیش بینی کند... در عین حال قانونگذار فرانسوی در این ماده به حقوق متهم نیز توجه داشته ؛ لذا اگر از طریق دیگری بتوان مانع فشار بر شهود شد، صدور قرار بازداشت موقت جایز نمی باشد. زیرا اصل بر آزادی رفت و آمد افراد است « هر کس حق آزادی و

امنیت شخصی داشته است. احدی نباید مورد دستگیری یا بازداشت خودسرانه قرار بگیرد. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد مگر به دلایل قانونی و آئین دادرسی مقرر به حکم قانون».

بند دوم: اخذ وثیقه از متهم در صورت تهدید شهود و مطلعین

یکی از تدابیری که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی نموده که به طور ضمنی می تواند هدف حمایت از شهود را برآورده کند، اخذ وثیقه از متهم است. قانونگذار در ماده ۱۳۲ قانون مذکور مقرر داشته: « به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر کند:

الف) اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول...». توجه به مفاد ماده مذکور نشان می دهد که قانونگذار ایرانی از پیش بینی چنین قراری دو هدف را دنبال می کند:

اول، دسترسی به متهم تا پایان دادرسی و تضمین اجرای حکمی که ممکن است در آینده علیه متهم صادر شود.

۱۱۷



دوم، « جلوگیری از اختلال در روند رسیدگی کیفری است». تبانی متهم با دیگری، یکی از مواردی است که می تواند در روند رسیدگی اختلال ایجاد کند. (جویباری، ۱۳۸۷، ۷۴)

این تبانی ممکن است توسط متهم با شرکاء یا معاونین جرم به منظور انجام اعمال مختلفی صورت گیرد که یکی از موارد آن را می توان تبانی بر تهدید و ترساندن شهود و جلوگیری از ادای شهادت آنان و یا اجبار آنان به ادای شهادت دروغ فرض کرد؛ بنابراین به منظور حمایت از شهود، می توان از متهم، وثیقه اخذ نمود و « قاضی می تواند در ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه به متهم یادآور شود که از اقدام تهدیدآمیز یا انتقام آمیز علیه بزه دیدگان و شهود پرهیز نماید». به نظر نمی رسد که صدور سایر قرارهای تأمین کیفری به جز بازداشت موقت متهم بتواند مانع متهم از تهدید شهود گردد زیرا ضمانت اجرای عدم اجرای تعهد در این

قرارها نسبت به قرار وثیقه سبک بوده و اثر گذاری این قرارها بر روی متهم پایین می باشد. در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، در ماده ۲۱۷، « تضمین حقوق بزه دیده » به عنوان یکی از مواردی که می تواند منجر به صدور قرار وثیقه شود، پیش بینی شده می باشد. از یک سو، بزه دیده ممکن است، شاهد حادثه نیز باشد که در صورت عدم صدور قرار مناسب توسط متهم و تهدید بزه دیده توسط او، حقوق وی تضییع گردد و از سوی دیگر، فقدان قرار مناسب در مورد متهم ممکن است منجر به تهدید شهود حادثه و امتناع آنان از ادای شهادت منجر گردد که در نهایت احقاق حق بزه دیده با مشکل مواجه می شود؛ لذا توجه به این مشکلات، قانونگذار را بر آن داشت تا به منظور تضمین حقوق بزه دیده، قرارهای تأمین کیفری مناسب را پیش بینی کند. در ماده ۱۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز مقرر شده: « هنگامی که شخص تحت بررسی به تهیه وثیقه یا ارائه تأمین و تضمین ملزم می شود، این وثیقه یا تأمین، تضمین می نمایند:

ب) حضور شخص تحت بررسی را در هر مرحله از رسیدگی و برای اجرای رأی و در صورت مقتضی، اجرای سایر الزاماتی که به او تحمیل شده می باشد...». در این ماده قانون گذار به منظور تضمین اجرای الزاماتی که به متهم تحمیل شده می باشد، قرار وثیقه را پیش بینی کرده می باشد. از جمله این الزامات می تواند ملزم نمودن متهم به عدم تماس با بزه دیده یا شهود پرونده در راستای حمایت از آن ها است. اینگونه الزامات به صراحت در پاره ای از مواد قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است^۱ که رویه قضایی نیز به تأسی از محتوای این مواد الزامات و تکالیف قانونی و قضایی متهم را مشخص نموده است.

اخذ وثیقه از متهم در توصیه های کمیته سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم نیز مورد توجه قرار گرفته است که به موجب آن، دادستان ها برای قبول کفالت یا وثیقه باید این شرط را قید نمایند که متهم، شاهد و بزه دیده را تهدید نکند.

^۱ نگاه کنید به مواد ۱۳۸ و ۱۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه.

بخش هفتم: حفظ هویت بزه دیده و شاهد از سوی ضابطان

۱- قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ رازداری نسبت به بزه دیده و شاهد را از یک سو وظیفه ی ضابطان و از دیگر سو جزء وظایف قاضی قرار داده است.

۲- عبارت «سایر اشخاص مرتبط با پرونده» مبهم است و به نظر میرسد ذکر سه عنوان بزه دیده، شهود و مطلعان کافی بوده و حمایت از اشخاصی مانند کارشناس، وکیل بزه دیده و مانند آن ضرورتی نداشته؛

۳- حکم مندرج در ماده ی ۴۰^۱ یک اصل است که استثنائات وارد بر آن را قانون معین کرده است و با توجه به این که ماده ای در این خصوص یافت نشد، باید قائل به ابهام در آن گردید؛

۴- کسی که باید نسبت به وی رازداری صورت گیرد، مشخص نشده است. مخاطب رازداری می تواند مشتکی عنه یا عموم مردم حساب شود؛

۵- ضمانت اجرای حکم مندرج در این ماده در ماده ی ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲ انفصال از خدمات دولتی به مدت سه ماه تا یک سال است.

بخش هشتم: حفظ هویت شاهد و بزه دیده توسط مقام قضایی

ماده ی ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در تکلیف بازپرس نسبت به حفظ اطلاعات فردی بزه دیده، چنین مقرر داشته: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه دیده از قبیل نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ نماید. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رئیس دادگاه و با رعایت مصالح بزه دیده اعمال می گردد».

^۱- افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می کند، ممنوع است.



بند اول: رعایت نکات ضروری در حفظ هویت شاهدبزه دیده توسط مقام قضایی

۱- ذکر نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن در این ماده، از باب تمثیل است و رازداری نسبت به کلیه ی اطلاعات فردی بزه دیده مانند نشانی منزل و محل کار به عمل خواهد آمد. این تعبیر با توجه به درج عبارت «از قبیل» در ماده ی مذکور ارائه می شود؛

۲- موضوع این ماده «اطلاعات فردی بزه دیده» می باشد؛

۳- ماده ی مذکور (۱۰۱) حمایت از اطلاعات شاهد و مطلع را پیشینی نکرده است و از این جهت جای ایراد داشته؛

۴- در این ماده نیز مخاطب رازداری مشخص نیست که آیا رازداری باید نسبت به مشتکی عنه یا متهم صورت گیرد یا آن که شامل عموم نیز میشود. به نظر می رسد با توجه به ممنوعیت مندرج در ماده ی ۳۵۳ همین قانون و نیز اصل علنی بودن رسیدگی ها در ماده ی ۳۵۲، مخاطب این ماده بیشتر متهم است تا عموم؛

۵- جهتی که رازداری بر اساس آن توجیه می گردد، «احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده» است و لذا چنانچه اموال بزه دیده در معرض تهدید باشد، رازداری میسر نمی باشد، مانند آنکه موضوع جرم مالی باشد و این احتمال برود که متهم یا بستگان وی قصد تخریب و تحریق خودروی شاکی را داشته باشند.

۶- چنانچه بازپرس در مرحله ی تحقیق، دستور به عدم افشای هویت بزه دیده را داده ، این موضوع میتواند در مرحله ی دادگاه نیز ادامه داشته باشد. قسمت پایانی ماده، چنین تکلیفی (عدم افشای هویت بزه دیده) را برای دادگاه نیز پیش بینی کرده است. به هر حال چنانچه بازپرس عدم افشای اطلاعات مربوط به بزه دیده را ضروری ندانسته، دستور دادگاه به رازداری، فاقد اثر عملی می باشد؛ زیرا اطلاعات بزه دیده قبل و در مرحله ی تحقیق افشاء شده می باشد.

این ماده فاقد پیشینه ی قانونی است و یک نوآوری محسوب می گردد.

نقد قانون آیین دادرسی کیفری در باب مکتوم گذاشتن هویت بزه دیده و شاهد و تعارض آن با حق دفاعی متهم همچنان که بیان گردید، مواد ۴۰ و ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به ترتیب به تکلیف ضابطان و قضات به رازداری نسبت به هویت و اطلاعات شخص بزه دیده تصریح نموده است. در این قسمت به نقد این مواد از سازگاری با حقوق دفاعی متهم خواهیم پرداخت. حکم ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در وهله ی اول مفید به نظر می آید؛ زیرا افشای اطلاعات مربوط به بزه دیده و دیگر افراد مرتبط با پرونده به نوعی افشای اسرار حرفه‌ای موضوع ماده ی ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می باشد، اما اطلاق این حکم از دو جهت مورد ایراد می باشد:

اول، از نظر اشخاصی که نسبت به آنها باید رازداری کرد؛

دوم، از نظر محدوددهی زمانی این ممنوعیت.

در خصوص اشخاصی که مخاطب رازداری می باشد، این سوال مطرح است که آیا مشتکی عنه یا متهم را نیز شامل می گردد. مثبت بودن پاسخ موجب می شود حق متهم بر دانستن مخدوش گردد. متهم باید از مشخصات شاکی یا شهود مطلع باشد تا بتواند در خصوص مفاد شکواییه یا مؤدای گواهی شهود از خود دفاع نماید.

۱۲۱



عدم محدودیت زمانی تکلیف به رازداری نیز مشکل ساز می باشد. این ایراد زمانی بروز میکند که مشتکی عنه را نیز مخاطب امر رازداری دانسته باشیم. در این حالت، چنانچه با هدف حمایت از امنیت بزه دیده و گواهان، مخفی نمودن هویت آنان را از متهم ضروری بدانیم، این هدف باید محدود به زمان نزدیک به وقوع جرم گردد. توجه به این نکته نیز لازم است که ممنوعیت افشای هویت و محل اقامت بزه دیده از مشتکی عنه، مانع از وصول این دو به صلح و سازش می گردد. لذا حکم موضوع ماده ی ۴۰ باید به جرایم مهم محدود شود و در جرایم کم اهمیت که میتواند با استفاده از ضابطه ی «قابلیت گذشت» شناسایی شود، این ممنوعیت را برداشت. در خصوص ماده ی ۱۰۱ ایرادهای بیشتری به چشم میخورد؛ زیرا ماده ی ۴۰ مربوط به مراحل ابتدایی تشکیل پرونده و حتی پیش از مرحله ی تفهیم اتهام می باشد،

اما ماده ی ۱۰۱ مربوط به مرحله ی بازپرسی و رسیدگی در دادگاه است؛ یعنی مراحلی که به مشتکی عنه تفهیم اتهام میشود و نیاز است از خود دفاع نماید. همچنین رسیدگی در دادگاه با صدور قرار مجرمیت و پس از آن، صدور کیفرخواست از سوی دادسرا شروع میشود و لذا انتظار میرود متهم حداقل در مرحله ی اخذ آخرین دفاع، از هویت بزه دیده مطلع باشد. به طور کلی در نقد مواد ۴۰ و ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری میتوان گفت:

۱- حق برداستن و آگاهی از وضعیت پرونده ی قضایی، از حقوقی است که برای شاکی خصوصی و به ویژه متهم باید پیش بینی گردد. این امر از آن جهت است که موجبات برخورداری متهم از زمان و تسهیلات کافی جهت آمادگی برای دفاع فراهم گردد.

۲- در اسناد و رویه ی دادگاههای کیفری بین المللی، مکتوم ماندن هویت شاهد و بزه دیده، محدود به زمان معینی شده؛ به گونه ای که فرصت دفاع برای متهم فراهم گردد. عدم آگاهی متهم از هویت بزه دیده، مانع از امکان دفاع و فراهم آوردن دفاعیه می گردد. همچنین عدم آگاهی او از هویت شهود، مانع از آن است که بتواند در خصوص جهات جرح در شاهد تحقیق بکند.

۳- حفظ اطلاعات شخصی بزه دیده و شاهد غیر از هویت، مانند نشانی محل سکونت، نشانی، محل کار و ... خللی به حق دفاع متهم وارد نمیسازد و لذا مواد مذکور در قانون جدید از این حیث با ایرادی مواجه نمی باشد، اما در خصوص مکتوم نگه داشتن هویت بزه دیده و شاهد حتی در مراحل ابتدایی که پرونده نزد ضابطان است، باید محدودیت هایی بر این حکم وارد گردد؛ از جمله ی این محدودیت ها، پیش بینی معیارهایی برای صدور دستور قضایی مبنی بر مکتوم گذاشتن هویت بزه دیده به ویژه در مرحله ی بازپرسی و محاکمه می باشد. ماده ی ۴۰ فاقد هر گونه معیاری است و ماده ی ۱۰۱ به «احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده» تصریح نموده است و لذا لازم است در ماده ی ۴۰ نیز همانند ماده ی ۱۰۱ معیاری پیش بینی گردد؛

۴- مخاطب ماده ی ۴۰ و ۱۰۱ مشخص نشده است چنانچه مخاطب این مواد، عموم باشند، ایرادی به آنها وارد نمی باشد، اما در صورتی که عدم افشا نسبت به متهم باشد، لازم است محدوده های آن مشخص شود و به ویژه در ماده ی ۴۰، معیاری برای مکتوم نگه داشتن پیش بینی گردد؛

۵- با توجه به اینکه مطابق ماده ی ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲؛ «بازپرس به منظور حمایت از بزه دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور میدهد...»، لذا اجرایی شدن این ماده میتواند ضرورت اجرای ماده ی ۴۰ را منتفی کند. این موضوع در اسناد و رویه ی دادگاههای کیفری بین المللی نیز مورد توجه قرار گرفته و همچنان که بیان شد، حفظ اطلاعات شخصی شاهد و بزه دیده در صورتی است که امکان محافظت از آنها به طریق دیگری امکان نداشته باشد.

۶- عام بودن مواد ۴۰ و ۱۰۱ از جهت جرم موضوع پرونده نیز ایراد دیگری است که بر این مواد وارد می باشد. معمولاً در جرایم مهم که مجازات سنگین برای آن پیشبینی شده است، تحت فشار قرار دادن بزه دیده، شاهد یا مطلع موضوعیت مییابد و در این جرایم است که حمایت از هویت آنها با شرایطی ضرورت می یابد، اما به عنوان مثال در جرم توهین ساده موضوع ماده ی ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ چنین ضرورتی احساس نمی گردد؛

۷- مکتوم نگه داشتن هویت شاهد یا مطلع در ماده ی ۴۰ باید محدود به مواردی باشد که اطلاعات این دو مؤثر در پرونده باشد و از ظواهر قضیه، غیرقابل اعتماد بودن شاهد احراز نشود؛

۸- دادگاه موظف است متهم را از حق احضار شهود موافق و مواجهه با شهود مقابل آگاه کند. همچنان که موظف است در صورت درخواست متهم، شهودی را که در غیاب وی ادای شهادت کرده اند، مجدداً فرا خوانده و در حضور متهم شهادت آنان را استماع



کند. در امر کیفری، فردی که حق دفاع دارد، باید بتواند از این حق در تمام مراحل دادرسی برخوردار باشد. حق متهم بر جرح شاهد، ایجاب مینماید که از هویت او مطلع گردد؛ زیرا بررسی جهات جرح در مادهی ۱۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای شاهد شرعی که شامل ادعای فقدان شرایط مصوب ۱۳۹۲ نداشتهن خصومت با طرفین یا یکی از آنها) بند چ همان قانون (عدم اشتغال به تکدی) بند ح قانون مذکور (و ولگرد نبودن) بند خ همان قانون (است، منوط به آگاهی از هویت شاهد می گردد).

۹- محدود نمودن عدم افشای هویت و اطلاعات شخصی بزه دیده و شاهد به مدت زمان معین؛ به گونه ای که زمینه ی دفاع برای متهم فراهم باشد نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.

نتیجه گیری

با گسترش روابط اجتماعی شهروندان و افزایش تعاملات اجتماعی آنها، قلمرو حریم خصوصی اشخاص محدودتر و امکان آگاهی و نظارت شهروندان بر یکدیگر افزایش یافته است. این موضوع باعث اهمیت یافتن بیش از پیش همکاری شهروندان در فرایند دادرسی کیفری گردیده و به همین علت، امروزه باید شهادت را به عنوان ملکه ادله یا داناترین دلیل دانسته شود. صیانت از حقوق افراد و شأن و کرامت انسانی آنها به ویژه حمایت از کسانی که با عدالت کیفری همکاری می نمایند از یک طرف و صیانت از حقوق اجتماع و جلوگیری از انحراف فرایند دادرسی و دسترسی به یک دادرسی منصفانه از طرف دیگر، علل اصلی حمایت از شهود را پایه ریزی می نماید. شاهد که خود گاه بزه دیده نیز محسوب می شود، جدای از این که در پرتو علل حمایتی از بزه دیدگان، شایسته حمایت و جبران خسارت می باشد، به آن علت که در بیشتر موارد تنها دلیل اثبات مجرمیت متهم است و بیش از پیش در معرض بزه دیدگی مضاعف و انتقام جویی قرار دارد، باید مورد حمایت قرار بگیرد. هرچند حمایت از شهود می تواند پاره ای از حقوق دفاعی متهم را به مخاطره اندازد، اما تلاش در جهت کشف حقیقت از شیوه های قانونی و مشروع، اتخاذ راهکارهای جبران کننده نقض حقوق دفاعی و صیانت از حقوق اجتماع، می تواند توجیه کننده حمایت از شهود در مواجهه با حقوق متهم است. این تدابیر در برخی قوانین و اسناد بین المللی به صراحت آمده است و گاه از فحوای مواد موجود

و به صورت ضمنی می توان این روش ها را مورد ملاحظه شناخت. افزون بر این، برخی از تدابیر که می تواند در راستای حمایت از شهود بسیار مؤثر و مفید باشد، نه تنها در قوانین، بلکه در اسناد بین المللی نیز مورد توجه قرار نگرفته است؛ بنابراین، ضرورت دارد تدوین کنندگان قوانین داخلی این تدابیر حمایتی را در تدوین قوانین جدید خود مورد توجه قرار می دهند. با وجود این، اگرچه در اسناد بین المللی که در سالهای اخیر به تصویب رسیده است و همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، قسمتی از مواد موجود به صورت اختصاصی به موضوع حمایت از شهود اختصاص داده شده است، اما در قوانین موجود در نظام حقوقی ایران، به این موضوع مهم به صورت خاص توجه نگردیده است. هرچند نمی توان ادعا کرد که با اتخاذ مجموعه ای این تدابیر، حمایت از شهود به نحو مطلوب امکا نپذیر شده است، اما بدون تردید عدم توجه به این اقدامات و تدابیر یا عدم تلاش در ارتقاء و بهبود این شیوه ها، امنیت روانی شهروندان و به ویژه شهود را به مخاطره انداخته و آن ها را در همکاری با مقامات قضایی دچار تردید می نماید. بنابراین، در پرتو مطالعه ی حقوق کیفری کشورهای خارجی و به ویژه اسناد بین المللی در زمینه ی حمایت از شهود در خلال فرایند دادرسی کیفری است که می توان سنگ بنای حمایت از شهود را در حقوق داخلی پی ریزی کرد و با توجه به ویژگیها و شرایط حاکم بر نظام دادرسی ایران و اوصاف و ویژگیهای جامعه ی ایرانی، آن را غنی نمود. شهود به علت همکاری با دستگاه عدالت کیفری و تهدید منافع گروه مجرمانه، همواره در معرض خطر بوده اند و نیازمند حمایت دستگاه های مربوط می باشند. در این راستا در بسیاری از نظام های حقوقی جهان برخی راهکارهای حسب مورد، مالی امنیتی، روا نشناختی و هویتی اجرا می گردد. به رغم آن که، حمایت های روا نشناختی امنیتی از شاهد، موجبات از بین رفتن اصل بی طرفی و تساوی سلاح ها را فراهم آورده و اعطای ارزش بیش از حد به شهادتِ شاهد را موجب می گردد، باید توجه داشت که اصول مذکور همواره دارای استثنائاتی بوده و این امر نیز می تواند در زمره ی این استثنائات به شمار می آید؛ اهمیت کشف جرایم سازمان یافته، فراملی و تروریستی ایجاب می کند تا شهادت در پرونده های مذکور نیز، به حق، واجد اهمیت دانسته شده و برای جلوگیری از تکرار و استمرار این اعمال مجرمانه، بیشترین حمایت از ادله



اثبات جرم به عمل بیاید. بهترین و عادلانه‌ترین راه‌حل در هر دعوا از مسیر یک دادرسی مناسب منصفانه و با لحاظ تضمینات لازم برای اصحاب دعوا حاصل می‌گردد. اعتبار دستگاه قضایی و اعتماد عموم نسبت به آن بستگی مستقیم به وجود یک دادرسی منصفانه برای حل و فصل دعوی می‌باشد. اگر ادله‌ای که در فرایند دادرسی مبنای حکم قرار گرفته‌اند فاقد اعتبار و ارزش قضایی باشند، سخن گفتن از دادرسی عادلانه معنا ندارد. شهادتی که تحت اجبار یا به صورت مزورانه مطرح گردد یا دلیلی که به علت ترس از انتقام‌جویی و کینه‌توزی ارائه نشود، می‌تواند فرایند دادرسی را دچار انحراف نماید. حمایت از شهود در پرتو صیانت از عدالت و کرامت قضایی، تضمین‌کننده یک دادرسی منصفانه و موجب جلوگیری از انحراف فرایند دادرسی است. نتایج بدست آمده از تحقیق که می‌بایست در سیاست جنایی حمایت از شهود در دعوی کیفری در قانونگذاری تدوین نمایند تا تضمین امنیت شهود برقرار باشد به شرح ذیل تقدیم می‌دارم.

۱- محرمانگی هویت شاهد و بزه دیده باید محدود به مدت زمان معینی از مرحله‌ی دادرسی باشد تا مغایر حق دفاع متهم نگردد؛

۲- محرمانگی هویت شاهد و بزه دیده باید به جرایم مهم و یا به مواردی که بیم خطر جدی برای این دو محسوب گردد؛

۳- امکان عدم افشای اطلاعات شخصی بزه‌دیده و شاهد از ضروریاتی است که باید مورد توجه قانونگذار قرار بگیرد؛

۴- اصلاح مواد ۴۰ و ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری از لحاظ تعیین مخاطب محرمانگی و تعیین ضابطه‌ی تشخیص ضرورت محرمانگی لازم می‌باشد؛

۵- مکتوم نگه داشتن برخی اطلاعات شخصی بزه دیده یا شاهد مانند نشانی محل سکونت یا کار، مخدوش‌کننده‌ی حق دفاع متهم نخواهد بود، اما عدم افشای هویت این دو برای متهم، می‌تواند مخل این حق محسوب گردد.

منابع و ماخذ

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳.
- اسعدی، سیدحسن، جرائم سازمان یافته فراملی، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
- آقایی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص، شخصیت معنوی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- باقری نژاد، زینب، حمایت از شهود، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هفتم، تهران کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۳.
- جمال زاده، سیدمحمدعلی، آزادی و حیثیت انسان، تهران، امیرکبیر، سال ۱۳۳۸.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۲.
- خالقی، علی، جستارهایی از حقوق بین الملل، شهر دانش، تهران، ۱۳۸۸.
- خزانی، منوچهر، فرآیند کیفری، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.
- طه، فریده؛ اشرافی، لیلا، دادیاری عادلانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۸۶.
- کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۲.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزایی اختصاصی، تهران، چاپ هشتم، سال ۱۳۸۳.
- گلدوست جویباری، رجب، کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- تدین، عباس، آیین دادرسی کیفری فرانسه، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۸.



محقق داماد، مصطفی، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.

مدنی، جلال الدین، آئین دادرسی کیفری، تهران، چاپ، ۱۳۷۷.

معظمی، شهلا، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹.

معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، نشر مزدک، چاپ اول.

میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵.

نوربهاء، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر کانون وکلاء دادگستری مرکز، چاپ اول، ۱۳۶۸.

حسن زاده، محمدی، ابوالفضل، رئوفیان، حمید، حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی حقوقی، ۱۳۸۶.

صفاری، علی، مبانی نظری پیشگیری از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۲-۳۵، ۱۳۸۰.

